

آمیولاتس

جنگ جهانی آبگوشت



پوریا عالمی

● در خبرها خواندیم مدرس یکی از حوزه‌های استاندارد خراسان افشا کرده: «آمریکایی‌ها با مطالعه روی آبگوشت، پیتزا را جایگزین آن کردند.»این ضعف نیروهای اطلاعاتی آمریکا را نشان می‌دهد. چون آبگوشت برای مطالعه نیست، آبگوشت برای نفخ است. وقتی آمریکایی‌ها آبگوشت می‌خورند مطالعه می‌کنند همین می‌شود دیگر؛ متوجه نمی‌شوند نفخ کرده‌اند.

به همین دلیل طبقه‌بندی اطلاعاتی آنان درباره ایرانیان اصل، طبقه‌بندی بر پایه نفخ و کاملا رو هواست.

اسلحه ضدسفره

این مقام مسوول در ادامه افشاکری‌های خود فاش کرده که «آمریکایی‌ها پس از اینکه دریافتند ایرانی‌ها از آبگوشت بیزارند، پیتزا را جایگزین آن کردند که نیازی به سفره نداشته باشد تا ایرانی‌ها سر سفره با هم درددل نکنند.» که البته به نظر ما حرف درستی است. ما خودمان هروقت سر سفره می‌نشینیم، شروع می‌کنیم به درددل‌کردن. خیلی موقع‌ها هم وقتی می‌خواهیم درددل کنیم طرف را می‌پریم سر سفره. چندبار هم سفره دلمان را باز می‌کنیم.

با این اوصاف، آمریکا درست متوجه شده. در ایران خانواده اصلی‌ترین نهاد مدنی نیست، بلکه سفره نهاد اصلی خانواده است. یعنی شما اگر بخواهی جامعه را خراب کنی باید خانواده را سست کنی. اگر بخواهی خانواده را از بین ببری باید سفره‌شان را ختنی‌سازی کنی. ما خودمان شنیدیم که آمریکا در دوره‌های جدید تکاوری‌اش، آموزش «جمع‌کردن سفره» و «تکان سفره» می‌دهد.

همچنین ارتش آمریکا دارد روی اسلحه جدیدی به‌نام «ضدسفره» کار می‌کند. البته پهپاد‌های جدید آمریکایی، علاوه‌بر ردگیری نیروگاه‌ها و مراکز تسلیحاتی، به سیستمی مجهز شدند که می‌فهمند چن‌د‌تا سفره در کجا باز است، چندنفر سر سفره‌ها نشست‌اند و از بین آنان، چندنفر در حال درددل‌کردن هستند.

همچنین خود سی‌آی‌ای در کامنتی که پای حرف‌های ام‌آی‌سیکس گذاشته بود، نوشته: ما به جایی رسیدیم که ماهواره‌های جاسوسی‌مون می‌تونن یک پارازیتی بفرستن که سفره‌ها دیگر باز نشود.

فیلم محرمانه گنج قارون

ام‌آی‌سیکس از سی‌آی‌ای پرسیده: آخه شما از کجا فهمیدید قصه چیست و ایرانی‌ها سر سفره درددل می‌کنند؟

سی‌آی‌ای گفته: از تماشای فیلم گنج قارون. درواقع این فیلم تمام اطلاعات محرمانه و فوق‌محرمانه زندگی ایرانی‌های اصیل‌رو به‌صورت کدگذاری‌شده در اختیار ما قرار داد.

ام‌آی‌سیکس در واکنش به این کامنت آمریکایی‌ها نوشت: کاملاً!ااا بیبی... بابا شما خیلی جاسوسید. اصلا ته جاسوس‌های دنیایدید. ما که کم آوردیم.

میکروفیلم هضم‌شده

این مقام مسوول گفته: «آمریکایی‌ها در پیتزاها میکروفیلم‌هایی تعبیه کرده بودند تا اطلاعات را از ایرانی‌ها گرفته و به اتاق فکر آمریکایی‌ها در امارات بفرستد.»

تنها سوالی که پیش می‌آید این است که وقتی آمریکایی‌ها در پیتزاها میکروفیلم تعبیه کرده بودند، چه اتفاقی می‌افتد؟ چون طبیعتاً میکروفیلم‌های داخل پیتزاها را ایرانی‌ها می‌خورند. حالا چیزی را که ایرانی‌ها خوردند چطور می‌رساند دست آمریکایی‌ها توی امارات؟ و اگر چیزی را که ایرانی‌ها خوردند رسید دست آمریکایی‌ها، آمریکایی‌ها چطور از چیزی که ایرانی‌ها خوردند اطلاعات را به دست می‌آورد؟ به نظر ما اگر این حرف درست باشد حتماً دست سازمان آ‌ی‌وف‌اف‌ضلاب با آمریکایی‌ها توی یک کاسه است. بعد هم مساله این است که آیا میکروفیلم هضم می‌شود؟

خون‌ریزی

همان مقام مسوول در پایان گفته: «آمریکایی‌ها تلاش می‌کنند سفره را از ایرانی‌ها بگیرند تا بتوانند این کشور را بدون خون‌ریزی تصرف کنند.» ما در این باره حرفی نداریم. ولی تاریخ ثابت کرده خیلی‌ها با خوردن آبگوشت معده‌شان به مشکل خورده و دچار خون‌ریزی شده‌اند. به نظر ما جنگ جهانی سوم، جنگ آبگوشت است و ارتش‌های جهان با گوش‌تکوب به جان هم خواهند افتاد.

شترق روزنامه

www.sharghdaily.ir

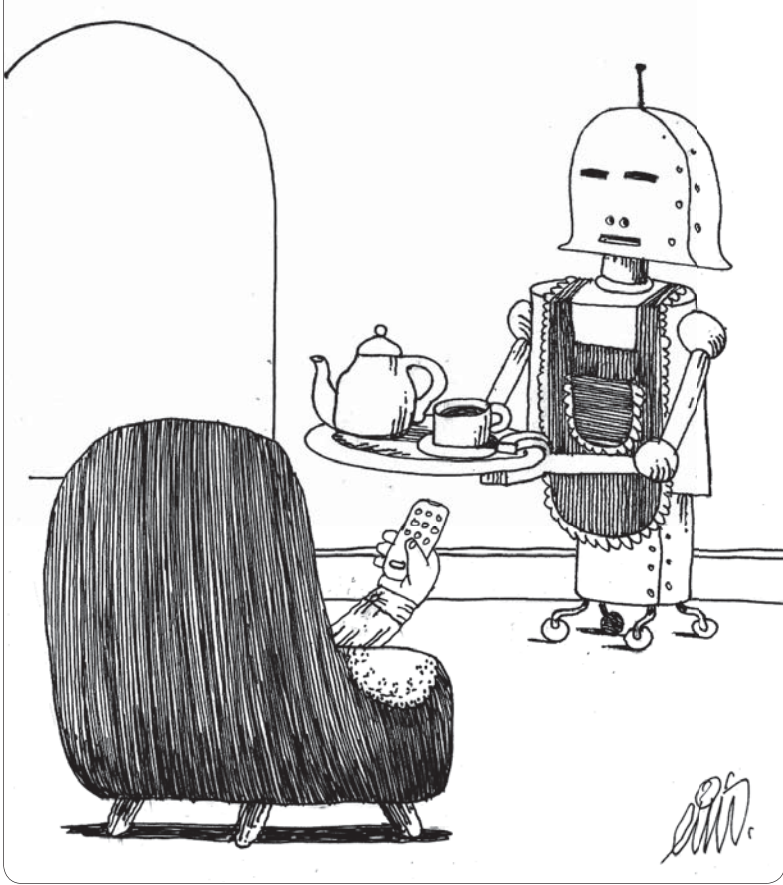
چهارشنبه ۳ دی ۱۳۹۳ | ۱ ربیع‌الاول ۱۴۳۶ | ۲۴ دسامبر ۲۰۱۴ | سال دوازدهم | شماره ۲۱۹۳ | ۲۰صفحه | اذان ظهر تهران ۱۲:۰۴ | اذان مغرب ۱۷:۱۶ | اذان صبح فردا ۵:۴۲ | طلوع آفتاب ۷:۱۲

روزنامه‌فردا

کارتون خواب

علی جهانشاهی

وزارت کار: ممنوعیت کار زنان فیلیپینی در خانه‌های ایرانی



شغل کاذب -۲

دراندازها

ژلوفن است. یعنی اگر بخواهم یک تقسیم‌بندی کلی درباره دردها و درمان‌ها داشته باشم به نظم استامینوفن خالی می‌تواند درهایی مثل سردردهای

ملو، ضرب‌دیدگی‌های ملو و البته خارش را برطرف کند. حالا اگر به همین استامینوفن، مقداری کدیین هم اضافه شود، می‌توانید مطمئن شوید درمان کوفته‌گی و دهن‌دَره هم هست. البته روایتی از مصطفی که پسر احمدآقا - صاحبخانه من- است هم وجود دارد که می‌گوید اگر ۱۰ عدد استامینوفن کدیین را با مقداری زیره و کمی ریشه گل ختمی در یک قوری بجوشانی و کمی آب نارنج هم (فقط برای مزه) آخر سر به آن اضافه کنی و یک‌ساعت قبل از تمیزکردن خانه بخوری! چنان قدرتی در جسمت حلول می‌کند که حتی می‌توانی دیوارهای دودگرفته را بدون نیاز به نردبان و تنها با فوت‌کردن، تمیز کنی! البته تمام مسوولیت این فرمول با خود احمدزاده (احمدآقا، مصطفی پسرش را اینگونه صدا می‌کند) است. بگذریم داشتم رده‌بندی اندازه یک توپ هندبال، با درد فراوان حوالی هفت به ادویل اختصاص می‌دهم. هم شکلش خوشگل است و هم همیشه می‌توانی آن را در کیف دوستان پیدا کنی. باور ندارید یک روز در محل کارتان خودتان را به سردرد برزید و از افراد بخواهید بهتان مُسکن بدهند آن وقت می‌بینید ادویل‌ها از شش جهت به سمتتان می‌آید و بی‌اختیار یاد این بیت معروف خواجه به سمنان که شهریست پر کرشمه و ادویل از شش جهت...

فردا گذرانی

پرونده اصلی این شماره ماهنامه «سخن‌ما» با تیتَر آب‌شدن یخ‌ها، به بررسی تحولات ایران و آمریکا پرداخته و همراه با یادداشت‌ها و گفتارهایی از: «براهیم یزدی، محمد موسوی‌خوئینی‌ها، حسین واله، نوید حبیبی، سرکه بارسقیان و کاظم جالی» است. پارادایم گذار به دموکراسی در میزگردی با حضور فرانسیس فوکویاما و سه استاد علوم سیاسی آمریکا بازخوانی شده است. مقاله‌ای از سعید حجازیان درباره تشکیل وزارت اطلاعات، یکی دیگر از مطالب این شماره است و همچنین پرونده‌ای درباره سرنوشت تحقیقات اجتماعی در ایران با گفتارهایی از: احمد مسجدجامعی، محسن گودرزی، محمد فاضلی، سیدحسین سراج‌زاده و... تهیه و منتشر شده است.



پانتۀا بهرام

نشمردۀ‌ام. شاید هزاربار کمی کمتر یا بیشتر، تاتتر دیدۀ‌ام. از تاریکی به نور. از نور به تاریکی. از خودم با دل تپش‌های قبل از اجرا. از خودم تا خاطره‌های اجرا. اجراها. نمی‌دانم این‌بار، این‌بار چه شد که زبانم بند آمد و باز شد برای «هم هوایی». اینقدر تمیز و آنقدر عزیز بود این نمایش، اینقدر دوستان زیبایی من کامل بودند که نتوانستم این حس ستایش را با شما قسمت نکنم. رابطه‌های سرد و تهی، مُجاز‌های گاه توهین‌آمیز روابط مجازی و خطر تقلیل عشق به یک واژه در سری در ادبیات، مدت‌هاست که وحشت به دل خیلی‌هامان انداخته. و حالا با نمایشی در مدح عشق، انگار در قلبمان



سیدمحسن هاشمی

با اعلان امضای ریاست «سازمان سینمایی» در پای طرح ارتقای منزلت اجتماعی سینماگران و اجرایی‌شدن کمک‌هزینه بیکاری سینماگران در سال آتی، می‌توان گفت و امیدوار شد که یک‌سوم طرح امنیت شغلی «خانه سینما» در شرف تحقق است. سینماگران به‌طور جدی از زمان تاسیس «خانه سینما» در پی دستیابی به شرایطی امن برای بیکاری‌های فصلی خود بوده‌اند. این خواسته البته با روی کار آمدن محمدهدی عسگریو به‌عنوان مدیرعامل این خانه در بهار سال۱۳۸۷ شکل جدی‌تری به خود گرفت. بهمن‌ماه نخستین سال مسوولیت عسگریور در «خانه سینما» طرح امنیت شغلی سینماگران تهیه و به همراه طرح قانون نظام سینمایی و طرح قانون حمایت از حقوق مادی و معنوی آثار سینمایی به ریاست‌جمهور وقت و کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی ارایه شد. در این طرح بر پنج مولفه موثر بر امنیت شغلی نظیر: توسعه زیرساخت‌های نمایشی، توسعه زیرساخت‌های تولیدی، بهنگام‌سازی دانش و مهارت سینماگران، صیانت از شاغلان عضو اصناف و تاسیس صندوق بیمه بیکاری اشاره و برای هریک از این فصل‌ها مبانی و سازوکار اجرایی، طراحی و پیشنهاد شده بود.

این طرح و پیگیری‌ها نه در دولت -که پیش‌تر براساس قانون برنامه چهارم ملزِم به تدبیر و اجرایش بود- و نه در مجلس مورد استقبال قرار نگرفت. اما نمایندگان کمیسیون فرهنگی مجلس

پیشنهاد فردا

اینجا در کوهپایه

کوشری که با داشتن ابراری به‌مراتب کمتر برای انگیزتن احساسات تماشاکر، روایتی غریب از زن و کوه برایمان تعریف می‌کند. چیزی دور از انتظارمان. او زنی است که آرزو می‌کند در کوه بمیرد. و جقدر معنای کوه برای یک کوهنورد متفاوت است تا برای ما که همیشه در کوهپایه‌ایم. بازی در این روایت، دست‌مریزاد دارد برای باران. متن تأثیرگذار و هوشمندانه مهین صدری را افسانه ماهیان با تزیینی و کاربلدی به روی صحنه‌ای می‌برد که منوچهر شجاع تمیز، صحیح و کاربردی بازتعریفش کرده است. و در پایان ماییم و احوالاتمان. ما و یک احساس دردآلودِ خوشایند پس از تعظیم بازیگران. اما این‌بار ماییم که در مقابل شما تعظیم می‌کنیم. افتخار من دوستی با شماست.

گزارش فردا

تأمین یک‌سوم امنیت شغلی

ریاست‌جمهوری اما به‌جز سه نامزد متعلق به جناح اصولگرا بقیه نامزدها از ضرورت گشودگی در عرصه فرهنگ و هنر و ضرورت بازگشایی «خانه سینما» به‌مثابه چِراغ برنامه‌های فرهنگی‌شان سخن گفتند. در کمتر از یک‌صدروز از پیروزی حقوق‌دان مدبر (۲۱ شهریورماه۱۳۹۲) و در روز ملی سینما، «خانه سینما» با حضور دکتر ایوبی (ریس جدید «سازمان سینمایی» دولت یازدهم) گشوده شد. با آغاز فعالیت‌های مجدد «خانه سینما» در پاییز سال گذشته و ابراز تیری ریاست «سازمان سینمایی» از آنچه بر «خانه سینما» توسط دولت پیشین رفته بود و استقبال از مشارکت سینماگران در تصمیم‌سازی‌ها، «خانه سینما» مجدداً بر ضرورت اجرای طرح امنیت شغلی با مکاتبه، بازرسی و مصاحبه تأکید کرد. خوشوقانه این‌بار گوش کارکزاران دولت، شنوا بود و این مطالبه شنیده شد و اینک حداقلی از آن توسط ریاست «سازمان سینمایی» مهر تأیید خورده است.

امید است عملیاتی‌شدن این مژده شیرین «سازمان سینمایی» نه با اختصاص دودرصد از بودجه «سازمان سینمایی» که پاسخگوی بیکاری فصلی دوسوم سینماگران نیست، بلکه با تأمین و اختصاص دست‌کم پنج‌درصد از اعتبارات «سازمان سینمایی» به قواره شاینت سینماگران و ماموریت این دستورالعمل تحقق یخشد. اینک باید دعا کرد تا نخست این بارقه امید خاموش نشود و دیگر اینکه دهمین مصوبه هیات‌مدیره «خانه سینما» درخصوص بیمان‌نامه جمعی‌کار که پیش‌تر با مخالفت تهیه‌کنندگان به فرجام نرسید، به سرینجه دوراندیشی تهیه‌کنندگان به سرمنزل مقصود نایل آید.

اتفاق

جشن پاییزه «لاک پشت پرنده» برگزار می‌شود

در این مراسم، علاقه‌مندان می‌توانند با نویسندگان و مترجمان کتاب‌های برگزیده دیدار کنند و کپ بزنند. همچنین، کتاب‌ها را با امضای پدیدآورنده تهیه کنند. این جشن فرصتی برای کودکان، نوجوانان و خانواده‌هاست تا با بهترین کتاب‌های منتشرشده در سال و پدیدآورندگان آنها آشنا شوند. «لاک‌پشت پرنده» فهرستی از کتاب‌های مناسب برای کودکان و نوجوانان است که هر فصل توسط گروهی از کارشناسان، منتقدان و نویسندگان ادبیات کودک و نوجوان در دسته‌های ادبیات، کتاب‌های تصویری، علوم انسانی، هنر و سرگرمی معرفی می‌شود. کتاب‌های پیشنهادی از نظر این گروه نسبت به دیگر آثار آن فصل برجسته‌تر بوده و ویژگی‌هایی دارند که آنها را متمایز و شایسته پیشنهاد به خانواده‌ها، کتابداران، مربیان، مدارس و کتابفروشان می‌کند. جشن امضای زمستانی «لاک‌پشت پرنده»، روز سه‌شنبه ۹ دی‌ماه ساعت ۱۷ در «شهرکتاب» مرکزی، واقع در خیابان شریعتی، نرسیده به خیابان معلم، نیش کوچه کلاله برگزار می‌شود.

زایوه دید

نگاهمان را عوض کنیم

یک‌بار از لابه‌لای حرف‌های دوستی افغان خیلی گذرا شنیدم که گفت: «می‌دانم که ایرانی‌ها، افغان‌ها را یابین می‌دانند.» این واقعیت به‌خصوص وقتی بدانیم که میان کشورهای همسایه ایران، شاید بیشترین اشتراکات را با افغان‌ها داریم، بسیار متاثرکننده است. بی‌شک، باید نگاهمان را عوض کنیم و آنها را به‌ویژه در تحصیلشان در ایران یاری کنیم.

شده‌اند و به مدرسه رفته‌اند و لهجه‌شان ایرانی است. افراد مستعد و موفق هم در بیشان کم نیست. در طول تاریخ هم که همه می‌دانیم در پربراری تمدن ایران‌زمین نقش‌آفرین بوده‌اند، پدر ابن‌سینا از دانشوران اهل بلخ بوده و مولانا هم در این شهر متولد شده است.

اما ناگفته پیداست که در چنددهه اخیر، نگاهمان و رفتارمان نسبت به آنها در ایران مطلوب نبوده و نیست. رضا اسداللهی: هم شده که بیماران افغانی‌الاصل را وزیرت کُسم و هم در جامعه و دانشگاه با آنها برخورد داشته‌ام. زیانمان، فرهنگمان و بسیاری از آداب‌ورسوم‌هایمان مشترک است. گاهی شده که در گفت‌وگو با آنها از مشترکاتی فرهنگی مطلع شوم که حتی فکرش را هم نمی‌کردم. بعضی‌با لهجه زیبای افغانی صحبت می‌کنند و برخی هم در ایران، بزرگ

شماره رزرو ۰۹۰۱۰۴۴۷۶۸۵
از ۲۴ آذر ۱۳۹۳/ ساعت ۱۸/ تالار حافظ

مادر شجاعت
MOTHER COURAGE

شماره رزرو ۰۹۰۱۰۴۴۷۶۸۵
از ۲۴ آذر ۱۳۹۳/ ساعت ۱۸/ تالار حافظ

کاری از: مهدی شجاعی و محمد سالار رضایی نیا
نویسنده: برتولت برشت، بازنویسی/ مهدی شجاعی

تیوال

www.tiwal.com